

اخلاق کا اردو

اخلاق کا کردی

یا آسین زندگی

گرفتار از دھماکات ب دربارہ مصداق

اخلاق کا کردی .
مضمون دانشجو و فرزند

سر

اخلاق کاربردی؛ ص ۱ درس اول

مبانی و مفاهیم

اخلاق: جمع خُلُق، به معنای سرشت باطنی انسان‌ها که تنها با دیده بصیرت قابل درک است، در مقابل خُلُق، به حسیسم و شکل و صورت انسان که قابل درک است (یعنی محسوس) با چشم ظاهر.

پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود می‌کند: که: **نَیْمَانِیْ نَہْ دَر آئِنَه خُودَت رَا دِیدِی** بگو: خدایا! خُلقم را زیبا کردی، خُلقم را هم زیبا کن!

یعنی این‌ها خلقشان خوب است، ولی خُلُق و اخلاقشان کُبر است یعنی آن‌ها هر دو را دارند، یعنی هم به خُلُق دارند و به خُلُق.

مولانا (ع) **اَمَلًا اَنْدَ هِیْجِ اَمِیْرِ بَ هِیْست وَ ثَوَابِ نَدَ اَسْتِیْم وَ هِیْجِ لَوْنِ اَز دَوَخِ وَ کَفِیْرِ مَن رَسِیْم** ما نیز هم شایسته بود در پی اخلاق والا باشیم. اخلاق مدار می‌باشد از شماست.

امام صادق (ع) فرمودند: اگر تنها دو روز از عمرت باقی مانده است، یک روزش را برای آموزش اخلاق به کار بگیری تا از آن روز برایت مرگت یاری بخونی.

مولانا (ع) **سَر آمد همه علوم و دانش هارنِ اَسْتِ کَمِ اِنْسَانِ اخْلَاقِ را بِنِشَانِ سَرِ تا اخْلَاقِ بِنِگَرِ اَرِغَاتِ کَنْدِ و اخْلَاقِ زِستِ را کَنارِ بِنِگَرِ اَرِغَاتِ**

اخلاق بنگر عامل نجات است

اسیری را نزد رسول اکرم (ص) آورده که اعلام کند: **مَوْقِی شُحْرِی رَا بِالْاَبْرِدِ حِیْرَتِیْلِ** آمد و گفت: یا رسول الله! این مرد را اعلام نکنید. حضرت فرمود: چرا؟ گفت: چون اخلاقش خوب است. مرد اسیر هم تعجب کرد و گفت: چرا اعلام نمی‌کنید؟ گفتند: عدل و حکم اعلام برای حاکم اخلاقیست. لغو کرده‌ات. اسیر مسلمان شد. پیامبر (ص) فرمود: این مرد کس است که حسن خلقش او را مسلمان کرد.

امام صادق (ع) فرمود: **وَقَدْ عَدَلْتُمْ بِمَیْمَرِ رَا بَ رَسَالَتِ مَعْبُوثِ کَرِ** ما و شما را به امور سه‌گانه اخلاقی فرمان داد: ای پیامبر: آنان را که تو قسم کرده‌اند عفو کنی و با آن‌ها که ترا محروم کرده‌اند عطا کن و با آن‌ها که از تو بیزدند پیوند برقرار سازی. وقتی پیامبر این ۳ دستور را اجرا کرد، امام صادق (ع) فرمودند: **خُداوند پیامبرش را ستود** و **اَنْتَ لَعَلَّی خُلُقٍ عَظِیْمٍ** تو برای پیامبر دارای اخلاق برجسته‌ای هستی.

خلق: صفت نفسانی، طبع - بخار سرشت: فلانی انسان شجاعی است
در میان رزم و جهاد مظلوم است، انسان سخیو بندی است، انسان خوش رو خوری است
انسان اشراف نری است - اهل عفو و گذشت و بخشش است: این صفات درونی آنها
است: **البته معصوم و اولیای خدا (هم صفات ابریمند و پندیده را دارا هستند**
ولی غیر معصوم باید با قهر و تدریج در وجود خودش بر وجود او کند.

۱) (در اخلاق)

هر صفتی که منشأ آن کارهای پندیده و اندر شمند و بار کس مشاغلرهای بدو ناپند
باشد: **فلانی اهل احسان است، اهل گذشت است - اهل انفاق است،**
فلانی آدمی حسود است - بخیل است - با اخلاق است.
آنها که دارای سرشتی و بخاری پاکیزه و اندر شمند هستند: درون و وجودشان سرشار
از خوبی هاست، بر عکس عموماً درونشان سرشار از حسادت و بغل و بی و کلب
است. **شرافت و شخصیت آنها به تقویت وجود روحانی آنهاست نه ظاهر**
و صورت. چون انسان دارای روح نورانی است: روحی که انسان را از آلوده شدن
به گناه باز می دارد. اگر روح انسان تحت تعلیم الهی و اولیای الهی قرار گیرد رشد
پیدا می کند

۲) **حُشْنُ الْخُلُقِ لِلنَّفْسِ وَ حُشْنُ الْخُلُقِ لِلدِّينِ**
زیبایی اخلاق در ذات و سرشت است و زیبایی خلق متعلق به دین است
اولیای خدا: دارای صفات اخلاقی هستند: بهائمه معصومین کرم گویند: **است نه بر آن است**
که به دیگران کمک می کنند بر سر آنان منت نمی گذارند، و خود آنها را ببال فقر و نیازمندان
و افرادی که قابل هدایت هستند می رفتند.

اولیای خدا: اشراف نری می کنند: در چنین حالی که خود نیازمند بودند به دیگران می بخشیدند،
خودشان گرسنه می ماندند و دیگران را سیر می کردند: بخشش در مال - - - - -
۳) **اولیای خدا: متواضع و فروتن هستند:** تواضع و فروتنی در سرشت آنها بخار شده است
تواضع در مقابل خداوند، در مقابل والدین، در مقابل استاد - - -
اما در مقام قهری که اولیای خدا به کسی می کشند

روح انسان وقتی بزرگ شد به اوج کمالش می رسید. به اوج عظمت می رسید -
به سمت کارهای ناپند می رود - روحش را با عبارات و لایحه خدا و اشراف نری و -
و یا نور عقل به اوج استیست رسانده است و بر غرائز حیوانی و غایلات شیطانی
خود پیروز گردیده و نقش آماره را رام کرده.

تسیم گیری : اخلاق : خالق که نفسانیات و متاعهای دنیوی را بخود و بندگانش
و خوبی ها از او صادر می شود و آثار کارهای زیست و تالیف صادر شد - اخلاق به -
سرشت به - است - صفات و ویژگی های که در نفس انسانی ریشه دارند -
خداوند در روز قیامت مردم را مطابق **نسبت هایشان محسوس کند** . انسانها را اخلاق مدار
کارهای اندر بخند را بابت الهی انجام می دهند .

۱۲ در اخلاق اسلامی : ما عا ذب و دل نمی داریم ، مهر و محبت و مهر در کنار هم هستند
است اسلامی امی معتدل و میانه اند . نه محبت و احترام اضرائی .
نه اضرائی نه قریب : عده ای فقط به دنبال عبارت و دعا و نماز و ... رفتند .

عده ای تفریطی شدند ، عبارت و دعا و نماز را - مال افراد بیکار است ، عبارت به خبر خدمت
به خلق نیست : هر دو علوالت : خانه آزادی حبشی داریم نه سرکوب غریز حبشی
۱۳ زنی آمد محضرات امام باقر (ع) و عمر (ع) ، من فقد کرده ام هرگز از زواج نکتم حضرت فرمود
برای چه ؟ گفت می خواهم به سبب یک از زواج به فضل و برتری دست یابم
حضرت فرمود : برهائیک ، اگر در این کار فضیلتی بود حضرت صدیق طاهره برای رسیدن به آن
از تو سزا بسته تر بود .

۱۴ از یک طرف آزادی غریز حبشی در غرب : غریزه حبشی و آزادی آن شریعت را به
تا آلودگی و اضطراب و بی قراری رسانده است

ما نگار نمی کنیم که دسترسی به همسرنداشتن موجب انحراف است و باید شرایط
از زواج مانوی را آسان کرده ، ولی بدون شک آن مقدار که خور غمایی و خود آزاری
زنان در اجتماع و با وضعت بدجایی و بی جای و معاشرتهای آزار دهنده و آلوده
سبب انحرافات حبشی می شود به مراتب بیشتر از محرومیت و دست ناری به زن است .

۱۵ تعریف علم اخلاق

علمی است که با شناساندن انواع خوبی ها و بدی ها ، راههای کسب خوبی ها و فقدان
اخلاقی و رفع و دفع بدی ها و زشتی ها را به ما می آموزد : **آموزش میوه رفتار است**
در زیارت اسین - می خوانیم : **خدا یا مرا در زمین و آسمان محبوب کن** .

محبوبیت چگونه بدست می آید ؟ با توبه و تضرع و توبه ، با عفو گذشت ، با خوش رویی و تبسم
با نیکو و احسان ، و طیف شناسش بولان ، با امانت داری کردن - با هدایت و راستگویی -
و خای به عهد و پیمان ، با شوکتی در کار خلق - با وصال کلامی - با دلجوئی
صفتی کار کردن ، با مجاهدت در راه خدا ، -

مرآة اخلاق اسلامی در ستر تاریخی

یکی از اهداف اصلی تئیت پیامبران الهی تکمیل اخلاق انسانی بوده است
 هدف نهایی علم اخلاق: این است که انسان را به کمال و سعادت حقیقی برساند
 که همان هدف اصلی خلقت است. اگر در طایفه‌ای اخلاق و ارزش‌های الهی نفایز
 شود بسیار از مشکلات آن جامعه حل خواهد شد.

اگر در جامعه‌ای روحیه تعاون و همکاری، اتفاق، عفت و پاکیزگی، تواضع، محبت
 عدالت، عزری و جمعی حاکم شد، آنی جامعه مدرسه خائنه است: مردم دانا
 حاکم به بی‌لوح آراش و امنیت دست می‌یافت و جامعه‌ای مسعاده عذاب
 و عکس آن: اگر در جامعه‌ای روحیه تعاون و همکاری و عفت و پاکیزگی و محبت و احترام
 تواضع و انصاف و دل‌سوزی نباشد و تجاوز و بی‌احترامی و بی‌عفتی و بی‌نیوایی باشد
 آن جامعه از انسانیت و اخلاق تهی خواهد شد و روی سعادت را نخواهد دید.

نقش اخلاق در سعادت و رستگاری و ایجاد آرامش و نشاط و وسعت رزق و
 محبوبیت در میان مردم بی‌بدل است. (انواع اخلاق)

(۱) اخلاق نقلی: اخلاقی است که برگرفته شده از قرآن کریم و احادیث و روایات
 پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت. هر آنچه از مفاهیم اخلاقی که از کتاب و سنت
 گرفته شده آثار آیینی کند: در این اخلاق: آرائه تفسیری معتدل و هماهنگ
 نقش در آن بی‌بازر و قواعد کلی اخلاق استخراج شده است. مانند الحقیة البیضاء
 مرحوم فیض کاشانی - احیاء العلوم: محمد غزالی - معاشن برقی

(۲) اخلاق فلسفی: در این اخلاق از نظریه اعتدال و حد و سبب عنوان معیار کلی
 برای فضائل اخلاقی نام برده شده است. رویکرد اصلی اخلاق فلسفی در واقع به
 تکرش انسان شناختی آن بازمی‌گردد. انسان دارای قوه متعاضد از هم می‌باشد
 این سه با هم تعامل دارند و از یکدیگر تأثیر پذیرند. و ملاک انسانیت خرد و خرداندوزی
 است و سعادت و کمال انسانی در گرو شکوفایی عقلانی است.
 قوه غفیه
 قوه ناطقه

مانند: اخلاق ناصری خواجہ نصیرالدین طوسی - تمهید به الاخلاق این مشکوٰه
 (۳) اخلاق عرفانی: این نوع اخلاق بیشتر رایج است اخلاقی و سر و سلوک
 کاربردی دارد.

در این اخلاق، یک نوع نظام اثری برپا شده و مبدأ و مقصد را معین کرده و آنگاه به منازلی که در راه وجود دارد و وسایلی که در هر منزل مسأله‌ای است - باید از آنها حکم بگیرد را بیان کرده است. این اخلاق: **مبارزه و مجاهده با نفس سرلوحه کارش می‌باشد: مانند: منازل السائرین - خواجیه عبدالقادر: منطق الطیر عطار و حمل صریح آن (مهمانی) (۱)**

۱- اخلاق کاربردی: تخصصی و موضوعی است و بر یک موضوع و قلمرو خاص ارزشی اعتباری انسان متمرکز است: یک روش عقل - استدلالی فلسفی است **ناظر به محیط و حوزه خاصی از زندگی انسان است: مانند پزشکی - محیط زیست - معاشرت - معیشت:** حل نزاعها و اخلاقی و یا سئو به مسائل نوپدید اخلاقی است. **تخصص اخلاق کاربردی:** باید از قدرت استنباط و قوه احتیاج بر خوردار باشد.

مثال: علت اصلی کم خونی مدتی نهایی، که در میان سیاه پوستان افریقا رواج دارد، نشان داده‌اند، ممکن است با توسعه علم بیولوژی در آئینده بتوان این بیماری را از میان برد. اگر همین علم دیگر باشد نباید از آنجا دریغ کرد. **حکم هر آنچه بر خورده می‌شود** و برای تولید داروی ضد **بیماری مالاریا**، نیازمند چنین تحقیقی هستیم. آیا چنین کاری، اگر غیر اخلاقی انتخاب درستی است؟ **حالا که این تحقیق مضرت ندارد باید در آئینده**

کار ساز تر و مفید تر باشد. بکار اخلاقی پیش آمده است؟ آیا حفظ جان بکارهای از افراد یا اهمیت دادن به تعداد بسیاری از آنها **مهم است؟** چه باید کرد؟ **اخلاق کاربردی اینجا مهم است.** **اذا تعرضنا - یا اذا تراخا: در تعارض دلائل**

قدرت و یا اهمیت می‌ورازیم و تراخا مهم می‌کنیم. در اخلاق کاربردی باید فرد یا افراد صاحب نظر باشند، اخلاق تجارت - اخلاق روزنامه نگاری - اخلاق پزشکی -

اخلاق کاربردی از مقوله علم و دانش است و بر حل نزاعها و اخلاقی کاربرد دارد. و باید استنباطی و استدلالی و برهانی عمل کرد. **اخلاق کاربردی در حوزه مسائل حقوقی، شهروندی، معاشرت و محیط زیست و پزشکی کاربرد دارد و از نظر گستره اعم از اخلاق حرفه‌ای است.** اخلاق کاربردی ارتباط تنگاتنگ با اخلاق اخلاقی دارد. یعنی میان تحقق و آزمون دین داهای فرائد اخلاقی است.

اخلاق دانش آموزی و علم آموزی، اخلاق گفتگو، اخلاق محیط زیست، اخلاق سیاست، اخلاق حسنی، اخلاق همداری، اخلاق معیشتی را به توان از مباحث مربوط به اخلاق ~~محیطی~~ ^{کاربری} ~~و~~ ^{که} آرد. مثال: اخلاق دانش آموزی (۱)

اهمیت و ضرورت علم و علم آموزی در اسلام را بیامی کند: رسول اکرم (ص) فرمودند: علم آموزی بر هر مسلمانی واجب است، از واجبات عمومی مسلمانان بهتر: زکوة و نماز و حج و عمره و سایر ستونان است. در روایتی فرمودند: بدتر است که برای آموزگار خوی های خبیثان از صفت و ماهیان دریا و جانداران فضا و همه آسمان و زمینیان طلب مغفرتی کند. هدف از تحصیل علم آن است که انسان ها از اسارت ویرانی و هم وحیالات و نادانی ها و تاریکی ها نجات یابند و حقیقت درستی و یابی برسند. علمی که نافع و سودمند برای فرد و جامعه باشد. نه برای تحجب و خود بینی و خود برتر بینی باشد: رسول اکرم (ص) در فضیلتی که ابودرغفاه دارد می فرماید: ای ابوذر، به درستی که بدترین مردمان در نزد خداوند در روز قیامت عالمی است که از علمش سوری نبرده باشد برای جلب توجه مردم به سوی خود تحصیل کرده بوی بخت و اعتماد حقیقه. در علم انگیزه الهی باشد تا علم بایست و همت در خدایم شود. علم مانند چشمه های جوشان و زلال باشد که کشندگان آن را سیراب کند. علم نافع علمی که برای انسان معرفت و توفیق و محمل بسیار و بالا عالمی عمل به زینبور بی عمل ماند. به فرمود رسول خدا (ص)، یا عالم باش یا در حال آموختن دانش و وقت خود را در بیهودگی و خوش گذرانی صرف نکن. و فرمودند: آموزش علم به دیگران برای رضای خدا حسنه است. زیرا دانش آموزنده حلال و حرام و روشنگر راه بهشت و هدم آنهاست. و حضور در مجلس عالم از حضور در منزل زنتی و بیع خبیثه و هزار عیارت بهتر است. مولای متقیان فرمودند: ای مؤمن! علم و ادب بهای جان تو است، پس در آموختن آن بگوشت، پس هر چه بر علم و ادب تو افزوده شود بر ارزشش تو افزوده می شود، چرا که از راه دانش به پیروزی و کار راه می یابی و سزاوار هر پ الهی می گردی.

یادگیری علوم مورد نیاز :

توجه: جامع اسلامی به علوم مورد نیاز و ضروریات آفاقی از ضرورت ها و موجب

حفظ عزت و قدرت مسلمانان است. (و سلاطین) ضرورت علم و دانش قدرت است، هر کس آن را با بد غلبه پیدام کند و هر کس آن را بناید، زیر سلطه قرار میگیرد.

۱) آموزش علوم دینی: (اما اگر صندله) ضرورت، خدا رحمت کند، آینده ای را که ما را از زنده

بدارد، برسدند، چگونه امر شما را زنده کند؟ ضرورت، علوم ما را فرا گیرد و ب

دنیای (مردم) بیاموزد. هر که مردم اگر زیبا بیجای کلام ما را بداند از ما

دوری می کند. : آموزش قرآن : به تفسیر روایات قرآن آموزی و انس با قرآن باعث سعادت یک خانواده و یک جامع خواهد شد : آموزش عقاید دینی و معارف الهی.

۲) آموزش حرفه و صنعت : (مولا علی) ضرورت، اشتغال به حرفه ای همراه با عفت

نفسی، از ثروت همراه با ناپاک میترس است. حرفه هایی مانند دام داری، کف کاری،

باغ داری، صید ماهی، کشتیرانی، شعر خیزی و دنبال کار رفتن : : آموزش مهارت های کارآمد مفید : فنی و حرفه ای، تیراندازی، شنا، تعمیرات

هواپیما، ... - به روز بودن - خلبانی - خطای پول، برق صنعتی - برق -

۳) اخلاق همسرداری : (درس سوم)

یکی از کانون های مهم اجتماع، خانواده است، این کانون یا بنیادی است که کانون

اجتماع برای سازد، کانون خانواده مانند رودی خروشان است که به افتخار و شرف جامع می رسد.

بنی از نشانه های خلاقیت این است که بجای مردان همسرانی آفریده تا در مسایله از دروازه به آرایش

برسند، همسر برای آرامش است بجای این است که اضطراب و نا آرامی از بین برود -

خلاقیت میان آنها مودت و رحمت قرار داده، که مودت در قلب انسان است و رحمت

در عمل است، مردان زن خود را دوست دارند این را مودت و محبت گویند و زنی

یک وقت همسر را از می کند، می گوید دوست دارم این رحمت است، رسول خدا (ص) ضرورت، اگر مردی به زنش نگوید : می ترا دوست دارم، این جمله را از

زنی ذهن و جان زن خارج می شود. : اما با عباد - ضرورت، من خانه ای را دوست

دارم که رباب، همسرم باشد، اوج ارادت و محبت به همسر است، زیرا

رباب یک زن با ایمان و با معرفت و عاشق اوست یوا (همسر عابد)

درس سوّم

و سایر کرم (ه) دوستی و محبت خویش را به حضرت خدیجه کبری ابراز کرد.

تکران کرم ه زن را لباس مرد و مرد را لباس زن می کند، کار لباس چیست
لباس عیب آدم ها را می پوشد، لباس آن ها را در مقابل سرافاوری حفظ می کند،
با تغییر فصل ها لباس ها را تغییر می کند. معانی این است که مرد و زن باید با شرایط
خودشان را تغییر دهند: زندگی دسرازی و سربالایی و خوشی ها و ناخوشی ها را دارن
بکومت خام، بیماری شود مرد باید در اوج عاطفه و محبت باشد و از او پرستاری کند. یک
وقت مرد بیماری شود یا از سرکاری آید خسته است، زن باید بر خورارش متفاوت باشد
باید استقبالی او برود و با چای و صبحیه و خداحاتری و خسته نباشی از او پذیرایی کند
در اوج عصبانیت باید کنترل رویداد باشد. باید هر چه صدمه و صدمات در خانواده
باشد، محبت و احترام و صفای صمیمیت در خانواده بسیار مهم و ضروری است

۱۰ احترام دیگریم

زن در شوهر به یکدست احترام و کرم کند. هر وقت که پدر را ندانند، اما مادر (۱۰)
ضروری است که کسی که همسری اختیار کرد باید اگر امتحان کند، ظرفیتی احترام و کرم دیگر باشد
بدترین است خصام زن با مرد و مرد آفتاب می کشد که احباب از او بگریزند. با احترامی در خانواده
خانواده را گرم و شاد کند دارند. در زمان حزن و غم خانوادگی خواهد شد. زن باید کارهای
کرد و از خانه بیرون کرد، مولا عا و وارد کار شده و ضروری است همسر به او با لبش، ماهم
زندگی خوش داشته باشد. حدیثی است که خیلی اندک است = احترام و کرم زن از شوهر
یا قرینه عینی و شهودی است. یا شایع است. احترام

۱۱ ماده ۱۱ ضروری است از اخلاق ابشار این است که همسران را دوست دارند و
اکرام و احترام می کنند. خنوت در خانواده باعث می شود بچه ها مشکل پیدا کنند
عصبی و نا آرام خواهند شد و درس خنوت را یاد می گیرند. در جامعه ما بزرگ مشکل
پیدا خواهد شد. خانواده متعصب می شود. فرزندان آن خانواده ها افکار و فکرها
میشوند و آسیب های اجتماعی رفتار خواهند کرد. رفتار همنشینان بد را
یا رسول - من زنی دارم که هر وقت وارد خانه می شوم به استقبال می آید و هر وقت که از خانه
خارج می شوم بدر می فرستد. این حرکت او شکلی را از من خارج می کند
حقیر را از من دارد، ضروری است کار از کار خارج از من است و نصف اجر می کند

درس دوم

۲۲ آراستگی زن و مرد

این آراستگی باعث محبت و سازگاری و تفاهم در خانواده است خود آرای زن و مرد برای یکدیگر خیلی ارزشمند است. نظافت و آراستگی ظاهر، مرد است موهایش را کوتاه کند - محاسن را اصلاح کند، به هم ریختگی و نامنظمی باعث تنفر می شود. خیلی افراد هستند امکانات دارند آدمهای متمدنی هستند ولی به لباس و شلوار و مورد طافت خود اهمیت نمی دهند - خود آراییدن غیر از تقلید از غرب است.

نظافت مو و سرو لباس : **سفرش دین ماست**، **اما م کاظم** (فروردین زیبایی مرد عفت زن را زیاری کند: یعنی نظافت و زیبای پوشیدن و تمیز پوشیدن. ~~فروردین زیبایی~~ لباسهای را بشوید، موهایشان را کوتاه کنید، مسواک بزنید، خودتان را زینت بدهید، چرا که در روابط هست که بنیاد سرائیل، خودشان شریکند، و روکیده و نامنظم بودند باعث شد که زن هایشان به فساد کشیده شدند، دچار روابط نامشروع شدند

۳ بجهت کردن خوبی ها در خانواده

در خانواده زن و مرد به ویژگیهای خوب و اخلاقی یکدیگر بپردازند، و آنها را بر حبه سازند، مثال: زن به مرد بگوید: مرد خوش اخلاق، مرد با صداقت، مرد دلسوز و مهربان، - - - مرد به زن بگوید: زن صابری، زن صابقی، زن خوش اخلاق، زن مؤمنه، زن باگذشت از عیبجویی و آنگار کردن نقاط منفی یکدیگر بپرهیزند.

خلاصه: عوامل تحکیم خانواده: احترام نفسی هر یک هم را ندانستن، حرمت اصا مزاح را باید متولی نه دارد - حرمت آقا را باید خانم نگه دارد، حرمت خانم را باید مرد نگه دارد تا حرمت ها در خانواده تشکیلند، حتی حرمت بچه ها هم حفظ شود. در مهمانی رسم است اول غذای بزرگتر ها را می آورند، بعد بزرگتر بچه ها این نوع تحقیر است.

تعریف شده: آراستگی خیلی در خانواده مهم است، در لباس و سرو و عطر زن مسواک، نلند با رعایت نکردن در خانواده میان زن و مرد صبرای افتد

چرا که اگر آراستگی و نظافت در خانواده کمزور نشود مسکلات زیادی بیار خواهد
آمد. معاشرت زیبا در خانواده باعث رفاه و آسایش می گردد؛ علی حال من
تأمل حال من شود و دروغ نگویم، بدقولی نکردم - ترا عصبانی نکردم با تو مخالفت نکردم
این معاشرت جلیل است.

همسران در خانواده با ناک صواب بیکدیگر را صدا می زنند؛ هر یک یکدیگر را تحقیر
نکنند، همه یکدیگر را نگریند، به یکدیگر عیب نیندازند، به یکدیگر تحقیر و تائید
نمایند چرا که کانون خانواده آسیب خواهد دید و از کوزه همان تراود که در دست

۴- سوءظن :

یکی از بحث های مهم در اخلاق خانوادگی، ریشهایی بی بحث حسودیت است
که بعضی از مردان یا زنان بواسطه سوءظن و بدگمانی عامل آن می باشند
خانم: چه کسی بزرگتر در خانه با چه کسی تلفظی صحبت کردی؟ (مولا علی علیه السلام) از بزرگتر
کلام همسر را بهیچ وجه صحبت نکنید: سوءظن و بدگمانی عامل نابودی و طلاق
در خانواده ها است.

تفاهم در خانواده ارزشمند است؛ مردها باید بدانند که زنان عاطفی و احساساتی هستند
و این کار خرد است. چون زنان باید در اوج احساسات و عاطفه باشند چون مادرند.
و عرونی نگریند و مردها کمتر به جزئیات و احساسات کوفه دلدن. مردان
کلی نگریند. خانم رفته مهمانی وقتی می گردد، می گویند: رنگ کرده ها این طور بود؟
غدا آن کوزه میرسد و این رنگ محقره است که ترا عفا حیدر چیز بود. روحیات
و سلاقی با هم تفاوت دارند، باید با تفاهم حل کرد.

تفاهم و احترام معانی این نیست که بعضی از آقایان با وقتی خانمش می خواهد
بیرون رود به حجاب رفت یا تعویذ احترام و تفاهم است یا نخواهد در مجلس حرامی شرکت
کند و ادبی تفاوت باشد - یا عیال: خانم می گویند: همسر من می گوید دلم می خواهد مانند
تو بگویم یا نه و موهاش کم و بسا باشد چه کنم؟ جواب آن است که بگو: من
مال تیره هستم، نمی خواهم زیبای ترا در میان هم نظاره کنند.

از پیش وجود همسر در خانه به اندازه ای است که از عوامل آرامش برای
زندگی مردم شمار آمده است. و گفت و نوبی با او از کارهای نیک
و خوب بهره می شود.

پاداش نیکو به همسر

ص ۸۸ در علوم

از مهمترین عوامل ارزشمند در خانواده نیکو و اطهر محبت به همسر است. (مولانا)

در وصیتی به محمد حنفیه فرود: به راستی زن ریحانه (شاخه گل) است و قهرمانی
نیست، پس در هر حال با وی مدارا کن و همراهی نیکو داشته باش تا زندگی او
باصفا گردد.

رسول ضربه فرود: هر مردی که بر پادشاهی همسرش برای خدا سبکی کند، خدا
برای او صبر و در هر بار پاداشی همانند پاداش صبر (توبه) در برابر بدای او به
وی می دهد.

و رسول خدا (ص) فرمود: هر کسی خانه (همسرش) را از روی ستم نبرد، من در روز قیامت
با او دشمن خواهم بود. خانم ها را تزیین و هر کس آنان را از روی ستم نبرد، خدا
عقاب صبرش را با نافرمانی کرده است.

و مسئولیت زن در برابر شوهر: رسول خدا (ص) فرمود: خانم ناله بان خانواده شوهر
و ضرر زنان اوست و او زانی ناله بان مسئول است.

و هر با نوری به شوهرش کبر عیسی آب نباشد پاداش فرلانی به او دان می شود
و سبقت گناه از او پاک می شود.

انام با قریب فرود: برای خانم، سفیدی موثر تر از رضای همسرش نیست، مگر
حضرت زهرا (علیها السلام) از نیای فانی به عالم بقا کوچ کردند (مولانا) بر سر تربت او گشتند.
خدا یا! منی از دقت و بیامیزت (لا اله الا الله) می کنم.

درس چهارم

۳ اخلاق معیشت

کار کردن و داشتن شغلی آبرو مندانه تنها وسیله ای برای امرار معاش و تأمین مایحتاج
زندگی مادی است، بلکه از عوامل بسیار مهم در احساس شخصیت، عزت، استقلال
و اعتماد به نفس است. افرادی که با حاصل دسترنج خود امرار معاش می کنند، در
باطن احساس افتخار و عزت و سر بلندی دارند و خود را مالک عضو فعل و تأثیر
گذار در جامعه می دانند. در مقابل، بیکاری باعث تأسیس و تأکید و سر خوردگی
و بی شخصیتی می شود. بیکار، خود را در جامعه عضوی خایه تلقی می کند.
و این بیکاری باعث بد بینی های غیر واقع بنانه به دیگران می شود، و باعث
افت و آسیب رساندن به جامعه است. اشخاصی شاغل و فعال در جامعه
مصوب خداوند هستند.

در دین اسلام با تلاش و کوشش کسانی که در راه تأمین معاش خود و خانواده تلاش می کنند، هم ریف با تلاش معاهدان در راه خدا قرار داده.

اما با تردید در باره کار و تلاش می فرماید: کسی که برای نیازی از مردم و رفاه خانواده و کتب به همسایهانش در طلب روزی حلال باشد، روز قیامت خداوند او را در حانی ملاقات می کند که همراهش مانند شب چهارده می درخشد.

زمانی که پیامبر اکرم (ص) از خنُب تنوک به مودینه بازگشت، سعد انصاری که نتوانسته بود همراه او، خنُب برود، به استقبال آن حضرت آمد، وقتی پیامبر، دستان خشک و خشن و سرکیده او را دید، پرسید: به دستان آسیب رسیده است؟ گفت برای تصنی مخارج خانواده با طناب و بیل کار می کنم، پیامبر (ص) بر دستان او بوسه زد و فرمود: این دستی است که در آتش جهنم نمی بسوزد. در مقابل این بخاری که بیکار بود از زیر کار و فعالیت هاشان حالی می کتبه، مورد لعن و نفرین اسلام و اولادی الهی اند: رسول اکرم (ص) فرمود: کسی که بارزندی بخورد رابروش مردم بند از ملعون است.

کمی از یاران اما کرماتی هم می گریه: به حضرت درباره شغفی پرسیدم که می خواهد در خانه بنشیند و فقط به نماز و روزه و عبادت بپردازد و از تلاش برای کسب درآمد خودداری کند و معتقد است که به هر حال، عدل و روزی را به گونه ای تأمین خواهد کرد اما فرموده: این شخص از کثافتی است که دعا و شستن به اجابت نمی رسد.

کار در سیره اولیای دین

اسلام با تائید پر کفمن روزی نبدای از سوی خداوند نبرد، سعی و تلاش و کوشش را توصیه کرده است: در سوره نجم آیه ۴۹: انسان جز به حصول تلاش و کوشش خودش مالک چیزی نیست.

در اسلام از کار و تلاش و کوشش برای معاش زندگی به عبادت برتر تعبیر شده است. اما (ص) اجر کار و تلاش و معاهدت برای خانواده را بیش از همه یاد کرده خدا دانسته است.

خداوند در قرآن درباره حضرت داود (ع) فرمود: به او فن زره سازی را به پسرش سیماس به او آموختیم، تا شمار در جنگ هاتیان از آسب های سخت سلاح ها حفظ کند.

و به گفته حضرت علی (ع) « خداوند متعال به حضرت داود (ع) وحی فرمود که تو بنده خوبی هستی به شرط آنکه از بیت المال از نزاع نکنی و بار سنگان خویش کار نکنی.

و حضرت داود مدتی تری کرد، آن گاه خداوند به آهن وحی فرمود که برای بنده (ام داود نرم شو، آهن، فرغان خداوند برای داود نرم شد و حضرت هر روز زر رهی می ساخت و آن را می فروخت و از بیت المال بی نیاز شد.

(۵)

ابو عمرو سیبانی گوید: امام صادق (ع) را دیدم که بلی در دست و پوششی در پشت بر تن داشت و در باغ خود کاری کرد و عرق از پیشش فرو می ریخت و عرض کردم: دوست دارم مادر شما اگر مای آزار دهند؟ خورشید برای نامین نیازهای زندگی خود رفع بکنم.

۵- رسول خدا (ص) هرگاه کسی را می دید و از او خوشش می آمد می پرسید: آیا حرفه ای داری؟ آن را می گفتند: نه، می فرمود: از چشمم افتاد، می بیند: چرا با رسول ا-؟ پاسخ داد: هرگاه مؤمن دارای حرفه ای نباشد، به ناچار از دینش برای نامین زندگی اش بهره می برد.

البته ناگفته نماند: کار و تلاش در دوران گذشته که جامعه بدوی و ابتدایی بوده است و وسائل پیشرفته در کار نبوده است، فیزیکی بوده است، اما امروزه هم کارها فیزیکی نیست، کارهای مدیریتی، کارهای فکری، صنفی - فنی - جرق - و هزاران حرفه امروزه در کار است.

و آن عهدی زمانی که تحت فشار حاکمان فاسد می توانستند بر روی جامعه اسلام را بر عهده بگیرند. به کار و تلاش می پرداختند و سازندگان اندیشه را تربیت می کردند و حق آنکه حاکمیت بود. چرا که دانائترین، باعقلترین، شجاعترین، مدیریت فوق العاده در عهد مهینی داشتند، ولی حاکمان فاسد اجازه فعالیت نمی دادند.

(۶) اخلاق معاشرت

معاشرت در تباط سازنده یادگیران، یکی از مهمترین و اصلی ترین نیازهای روحی و روانی انسانهاست. ذات و فطرت انسان، گونه ای است که همیشه حتماً باید از شی اجتماعی داشته باشد و در اجتماع زندگی کند. هیچ انسانی

در سربلای عاری، به تنهایی توانایی بقا و ادام حیات را ندارد. انسان در اجتماع به دنیا می آید، در اجتماع زندگی می کند و در اجتماع یک عضو مؤثر و تأثیرگذار می شود، و در همین اجتماع هم دارایی را وداع می گوید.

استنها برای ادام حیات خود و کشف استعدادهای درونی خودش نیاز به چالش و دینار دارند، در معاشرت با دینار است که می تواند خودش را خوب بشناسد و توانمندیش و توانایی هایش را درک کند

شوا: چرا این از طاقت فرسای ترین مجازات ها برای مجرمان، نگه داشتن آنها در سلول انفرادی است؟ آیا خبر این است که او را از سخن گفتن و معاشرت با افراد عایقه محروم می کنند؟ دنجی که او در این سلول می برد طاقت فرساست.

۱۰ معاشرت در خانواده

اولین گروهی که هر فردی با آن برخورد می کند خانواده است، یعنی پدر مادر و برادران و خواهران و سایر اقوام. ارتباطات با خانواده و اجتماع به آنها مدار و پایه می رسد. رسول خدا (ص) به سواد (ع) فرمودند: خدمت به خانواده، کفاره گناهان بزرگ، موجب فرونشاندن خشم الهی، مهریه حوریا و موجب حسنت و رجا می کند. (امام صادق ع) فرمودند: هر کس نسبت به خانواده اش سگوار باشد، خدا بر عمرش می افزاید. (روایف و اربعین) مقدم

خانه محل قرار و استقرار و آرامش افراد است. فرزند الهی و نعمت و از نشانه های خداوند است. پدر مادر در برابر، سلامت، رشد، تعلیم و تربیت آنها مسئول اند، در برابر تربیت خوب یا بد و در برابر تربیت بد که خواهد بود.

طبق روایات اهل بیت علیهم السلام: برای فرزند، حقوقی را بر عهده پدر مادر است. (۱) انتخاب نام نیک (۲) بهداشت و تغذیه مناسب او، (۳) تعلیم و تربیت او، (۴) آبرو و احترام به او - یاری کردنش بر کارهای نیک و از سرگردان نام نیک، قرآن آموزی، شش - از رواج -

هدف از تربیت چهار مورد است: کسی که تربیت شده، وظیفه اش را در ارتباط با خدا می داند، می فهمد که عبد خداست، وظیفه اش بندگی کردن است.

مکن از وظایف اصلی والدین این است که فرزند را طوری تربیت کنند که آنها را خوش
گرم خند و قرا گیرد. یعنی وظایف را نسبت به خالق و اضریه کارشان بداند
کسی که خوب تربیت شده به انسانهای با معیار لطمه نمیزد، به درختان و گیاهان
آسیب نمیزد، به حیوانات آسیب نمیزد، به انسانها آزار نمیزد،
خود آزاری و مردم آزاری نمیکند، زن آزاری نمیکند، زبان آزاری نمیکند -
تربیت در یک حلقه این است که انسان آزاری نباشد، زنده به حرام و
حدود دیگران تجاوز نکند، و استعدادها را شکوفا کند. و نذر دق و قوت پاک و الهی
نایک نرود.

معلمان و پدران در روش معاشرت باید نهایت دقت را داشته باشند. اگر معلم یا
پدری در وسایل و فرزندش یا شاگردش یک سی دی و یک نام عاشقانه و یک آرمیده یا یک
معلمی تواند او را پای نمته ببرد تا بوی را بریزد و به ریاست مدرسه اطلاع دهد و کار را
به کمیته انضباطی بکشد، اداره پدر مادر را فراخوان می کند. ۲ یا سی دی را شکند و نام
را ببرد که در سبلی معلمی به او بریزد و بگوید از این غلط ها تن

۳- یک روش تغافل است، اصلاً به رویش نیامورد. بگوید سرم، دفترم اتفاق است
بیش می آید، شاید کسی این را به تو داده و حواست نبوده، این ها آثار منفی دارد. یا
یک سی دی خوشه خواند بچند، تو به لقم - یک فیلم خوب به تو به لقم. آگاه کردن
آنها در یک بسته سی دی را از فرزندش برداشتن و رسید، چه کند؟ آیا سر و صدا - داد و فریاد
خوب و سلیس، آشنایی کردن :: روش درست، نادیده گرفتن، رفاقت بالور
طوری غیر مستقیم معترک را آسیب ها و فایده ها و موارد و رفاقت با انسانها
بدون کار را به او یاد بدهد. آگاهی لازم، رفاقت، خوشنوی حنط شور.

نعمان و پدر و والدین نباید فرزند آوازش آموز را تحقیر کنند، نقاد و منفی آنها
را ننویسند، توبیخ کردن و خوی ها فرزند را به حبه کردن خبی اندر شمنه است
یا تحقیر کردن - یا خدای ناگردد (مطالعه) پدر را به فرزند آوازش گفتن بد زبانی
به دهانی، بروی مریضه، بی لیاقت، تو چندی نمی شوی - معاسیه کردن
فرزند آوازش را در خانه بار است. ملامت کردن - نگاه تحقیر آمیز
رفتار تحقیر آموز، چهره درهم کشیدن -

والدین نباید تبعیض و بی عدالتی را در میان فرزندان به یادگار بگذارند؛ چرا که آثار
تخریبی دارد، باعث حسادت و شعله ور شدن آن خواهد شد.

در نظر گرفتن طرفیت ها میان فرزندان و دانش آموزان: زیرا هر فردی
طرفیتی دارد. طرف راست و طرف چپ. طرف ۲۰ لتری و ۱۰ لتری.

بزرگوار و عطا و والدین باید مراقبت کنند از فرزندان نه دخالت.
شرکت دادن فرزندان در امور مذهبی: به مساجد و هیئت های مذهبی برون - دعای
توسل - دعای میل - نماز جماعت، یا در منزل نماز جماعت هم دعا کردن -

۱۷ رسول اکرم (ص) فرمودند: هر کس، فرزندانش قرآن، پیام و در روز قیامت بر او وارد
اورا فرامی خوانند و دو جبهه بر آن دوی پوشا شده که از نور آن چهاردهای بهشتیان
روشن می شود.

۱۸ پیامبر اکرم از پدرانی که به فرزندان کلاه و احیاء دینی را یاد نمی دهند شکایت
دارند و فرمودند: من از آن کفایت دارم و آن کفایت من بزرگوارند -

۱۹ رسول خدا (ص) فرمودند: به آن کفایت و شیرازی هم یاد بدهید. به فرزندان
شخصیت بدهید و مهرورزی با آن کفایت ضروری است - در دادن هدایا رعایت مساوات
شود. عدالت: اولویت شایسته را بختراست است: برای آن کفایت کنید
برای ازدواج آن کفایت را بدارید که چهار گانه رعایت نشود.

اما هر چند اعتدال و اندازه: رسول اکرم (ص) فرمودند: خود را برای داری و سبک تر
کنید. اگر نبوی: مرسوم آن بزرگ تهرانی می گوید: من خود را بدوادم که میرزای
شیرازی چگونه با فرزندان ۸ ساله با کمال ادب رفتاری کرد و یکبار در ظرف ایشان
بودم، پیش خدمت آمد و گشت اجازه ورود برای فرزندان می خواهم. وقتی داخل
شدند او را روی دوزانو نشاند و فقط با کلمه آقا او را خطاب می کرد. وقتی خواست
برود و با احترام او از جای خود برخواست.

۲۰ و اما خشونت و تحقیر: و با خدای تعالی می خواهم درمی دارم. می رزم با خلاق بود
به سن بلوغ رسیدیم و مورد توجه خواهرها قرار گرفتیم و این آغاز انحراف من بود.
و با خواهرهای زیادی دوست زدیم و با یکی از آنها ازدواج کردم ولی چون او هم آلوده بود
به من توجه نمی کرد و من با عده های باند سرقت تکیس دارم و بهانه طلاق و فرزندان
و این معاشرت به در خانوادات رانی -

زیربنای همه معاشرتها، معاشرت خوب و اندر شمند در خانواده است. اگر معاشرت میان آنها در خانواده درست و منطقی و عاقلانه انجام گرفت، معاشرت در اجتماع هم سامان خواهد گرفت؛ در جامعه اولین کار سلام است و سلامتی و تندرستی؛ ای ایضاها از طرف من آسوده باسید و مطمئن که زندگی از سمت من به شما خواهد رسید، خبر عوازه تو هستم، دست دادن و بگری فشرل نشان از محبت و مهمت و خیرخواهی است که دلها را به هم نزدیکتر و محبتها را بیشتر می سازد.

اول سلام سرود رفتاری و پیامبر خدا، هر که در سید، حتی نزدیکان اول سلام می کرد. این خصلت از اخلاق حسن و بر جسته او سرچشمه می گرفت و فروریزد؛ کوچک بزرگ سلام کند. جماعت کم؛ محبت فراوان سلام کند، سواره بر پیاده و استیاده بر کسی که بنشیند. وقتی افراد جامعه به هم می رسید سلام و احوال پرس و مصافحه می کنند خلوتی که آنها نظر رحمت می افکند و گناهانشان فرو می ریزد. (امام صادق ع)

۲) خوشرویی و تبسم بخشی از اخلاق معاشرت در اجتماع خوشرویی و تبسم است نه ترش رویی و اخم. (امام باقر ع) فروریزد؛ لبخند آسان به چهره برادر دینیاش حسن است. کلام نرم - رفتار شایسته، گفتار عذریانه و جازیه طار و حیرت کننده و نشان از مظاهر و جلوه های اخلاق معاشرت است.

۳) عفو و گذشت عفو و گذشت چشم پوشی و ناپدید کردن لغزشهای دیگران، دانه های جلب محبت است و دیگران را خوشبین، وفادار و با محبت می سازد. (امام سجاده ع) در دیار مکارم الافلاک می فرماید: خداوند مرا ثابت و قدام و استوار بر اربابا تا حال صفا و عدلان، خیر خواهانم بر خود کنم. هر کس از من دوری نرید، با او شکی کنم؛ و به کسی که مرا معروم کرد، نازل و عطا کنم؛ و کسی که غیبت مرا کرده، با او خوبی یار کنم و توفیقم بده که از بدی، چشم پوشی و در گذرم.

معاشرتها را خانوادگی
مفید است (ع) می فرماید: سوزند با خوشگواران محبت می آورد.

انما دین فرمودند: صلۀ رحم کنیده هر چند در حدّ خویشاوندی باشد یا هر چند با سلام لفظی، یا خوشبویدن و سیوید برقرار کنیده. چرا که این نوع رسیدن آثار (نوی) و اخروی زیاده دارد. اما با مقرر فرمودند: صلۀ ارحام، اعمال را پاک، اموال را افزون، بلاها را دفع، حساب را آسان می کند و اهل را به تاخیر می اندازد.

اما صادق (۴) فرمودند: صلۀ ارحام، اخلاق را نیکو، دست را بخشوده، دل را وصال را خوش می سازد، رزق را می افزاید و اهل و عیال را تاخیر می اندازد.

اما صادق (۴) فرمودند: با چیزی را خرید (صلۀ رحم) سرخ نداریم که عمر را زیاد کند، تا آنجا که گاهی تا زمان مرگ یک نفر، سه سال مانده است، ولی اهل صلۀ رحم می شود، خدو، سی سال بر آن می افزاید و گاهی بر عکس می شود. پس سال می شود، خاطر قطع رحم.

چرا؟ چون دید و باز دیدها، با خوشاوندی روحیه ها را آداب و نیکوئیها را با هم می سازد. در این دیدارها، سخنان دلنشین گفته می شود و همفکری در مسیر گشایش مشکلات. اگر صلۀ ارحام با مشورت و همراهی تبیین صورت گیرد سودمند و ارزنده است. اما توقعات بالا، هزینه ها و مخارج، چشم و هم چشمی ها در کار باشد مقرر است. صلۀ ارحامی که سازنده، محبت دار و همدار و محتوای دلربا باشد در اسلام مورد تقویّه قرار گرفته است.

از رَحْبَه تحرّی فصلتهای جوانمردان و آزادگان، سفره سخاوت و مهربانی است. ضیافت مهمانی از نشانه های جوانمردی آنهاست. رسول خدا (ص) فرمودند: مهمان روزی خود را خازن می کند. اما صادق (۴) به یکی از شیعیان خود فرمود: آیا برادر دینی است را دوست داری؟ گفت آری. اما فرمود: آیا به تقدیرستان آنان سود می رسانی؟ گفت آری. اما فرمود: به خدا سوگند نفع تو به هیچ یک از آنان نمی رسد، مگر آنکه دوستانشان بداری، و آنها را به خانه خود دعوت کنی. وقتی آنان وارد خانه تو شوند، همراه خود با صرزش تو و خانوارات را همراه می آورند و چون می روند تنها تو و خانوارات را با خود می برند.

از وصایای حضرت رسول اکرم (ص) به مولا (ع) : با علی با جز در این پنج مورد
ولیمه و مهمانی دادن نیست : (۱) از دواج و عروسی (۲) تولد نوزاد (۳) ختنه کردن
(۴) ساختن یا خریدن خانه ۵ بازگشت از سفر حج

در هزینه از اسراف و بربا

هر عمل خیر و از رزقه ای (شایسته ای) گاهی در چهار بخشی است : ۱. با به خاطر
چشم و هم چشمی است - ۲. بارشبه در خوردنایی و نخر فروش دلار و همین کار مقدس و خداوندانه
را از قدر است می اندازد

روزی مولا (ع) ۱۸۰۰ علاء بن زیاد که خانه او وسیع و محلل برای خود ساخته بود، فرمود :
با این خانه بزرگ ما در این دنیا بی خواهی چه کنی ؟ خود آخرت به چشمت مثل و سیدی
بیش از دنیا نیاز داری ، مگر آنکه از این خانه وسیع دینی ، به آخرت برسی ،
یعنی در این خانه بذر داری کنی ، صلواتی بدهی ، به کثافت برسی ، حقوق این خانه
بپردازن توست ، بتوانی ادا کنی ، در این صورت از دینی خانه به آخرت می برسی .

گاهی مهمانی ها ، ریاکاری است ، نوع غذا و محل طعام و کیفیت سفر چیدن ،
خورعای است .

هاشم حیدر زرد رسول خدا (ص) همیشه سفرهای باز داشت و غذای آماده او و خانه مهمانش
برای عامه مردم ، اورا به سیادت و کمالی قریش رسانده بود .
حاتم طائی : شماوند معروف عرب ، خانه ای داشت که ملجأ و پناهگاه مردم و محل
امید بینوایان و مسافران و مهمانان مختلف بود .

در فضیلت دین ما ، مهمان حبیب خدا و پادشاه برکت است و هر یک از سوی پروردگار
و عامل اقتراش رزق و سبب آمرزش گناهان صاحبخانه و سبب قبول مغفرت
الهی است . اما باید با شروط خاص خودش انجام شود . بایه تکلف و سختی و
تلفاتی نباشد ، ساده و بی ریا برگزار شود . هزینه های سرگرم کردن درگاه بنابر
مردن مولا (ع) ۱۸۰۰ را به خانه خود دعوت کرد .

مردی رسید : آن شروط گذاشت . حضرت فرمود : (۱) از بیرون خانه چیزی برایم تهیه
نکنی (۲) آنچه در خانه داری بنام من ۳ به خاندانهای فقیر وارد بنام من .
گفت : یا بشه می پذیرم . حضرت قبول کرد و مهمان خانه شد .
در سهار عظیم و نبات ظریفی هست که بایه رعایت شود تا مهمانی ها
از زینت پیدا کنند و مانند گذشته دایر بجا بمانند .

در اسلام به همسایه داری و احترام به همسایان دستور اخلاقی و معاشری زیاده شده است. رسیدن و سرکشی به همسایان و داشتن رفتاری نیک و نیکو با آنجا که آزار و اذیت نرساندن به آنها و صبور و تحمل در صورت آزار آنها از مباحث خوب وانه بشمارد است.

خداوند در قرآن به نیکو به همسایه و حسن رفتار داده است: خدا را پرستید و چیزی را شریک او قرار ندهید و پروردگار خود را بپسندید و آن را دوست دارید و دور نینویسید. همسایه خوب داشتن، نعمتی ارزشمند است و همسایه خوب بودن باعث کردنی دلها به نیکوتر است اما مصادق (ع) خوش همسایگی هم آباری ها را آباد می کند و هم عمرها را طولانی کند. مولانا (ع) خدای را، خدای راه دربار همسایان است که این وصیت پیامبر است. سرکشی و رسیدگی، احوال پرستی و رفت و آمد، معاشرت و یاری، عیادت و اتفاق و ملاقات هم دردی از امور است که بر عهده همسایگان است که نهان جوانمردی است. اما آیه توبه در بیان صفات شیوه و پیرایه راستی خوا اهل بیت فرمودند: از شانه ها و پروان ما، رسیدن به همسایگان نیکو مند و نیکو است و به همداران و نیکو است چگونه انسان شرافتمند و باو حبان می تواند آسوده و با شکم سیر بخوابد در حالی که همسایگان طوفانند و محروم، نیکو است و به همداران در خانه باشند و او بی تفاوت باشد. (۱)

۱. آداب معاشرت و حقوق همسایه

فرمودند: او را در عیاب به حفظ کن و در حقش گزافی بهار، عیش و اسباب تنگ، هرگاه از او بی رویی، آن را بهوشان، هرگاه دانستی حقش خواهی تو را می نبرد در خفا او را نصیحت کن، هنگام سخنی هاستهایش مگذار و از لغزش و ناهائش در گذر و گریه به باوی رفتار کن.

و در باب نخست: (۱) مصادق (ع) فرمود: به هر کسی نیکو، چهار خصلت روزی شود و او را نخست می گردد. (۲) نیکو به پروردگار (۳) صلوات (۴) همسایه داری نیکو (۵) خوش اخلاق.

حق همسایگی

اما احسن (۴) وقتی شب جمعای اعیان و بزرگی مادرش را تحت نظر داشت و مراقب بود، دید مادرش درباره همه مردم دعای خیر می کند و تک تک نام همسایان را می برد و دعای خیر می کند، فردا صبح به مادرش گفت: مادر جان! چرا! من هر چه نوش دارم، تو درباره دیگران دعای خیر کردی ولی (در باره) خود خورستی یک دعا نکردی؟ حضرت فرمود: **فرزندم: اول همسایه، بعد خود.**

الحق بر حق ۱۸۱

(۲) همسایه صمیمی:

صدی از افتخار خانه صبری در پی از محلات مدرسه خریه و با آنجا منتقل شده. او متوجه شد همسایه نااهلی نصیب او شده بنابراین به حضور رسول گرامی اسلام رسید و گفت: **مستفانم** قدر دیکتری همسایه من، **شیخ محمد** فرزند است که از شورش در امان نیستم. حضرت صبر رقت، حضرت عطاء (هم)، سلمان، ابوذر و شحضری را مأمور کرد تا با صدای بلند در مسجد به غوغا و سر داد و بلبلا کنند که هر کس همسایه نباشی از آنجا دور امان نباشد، ایمان ندارد. **این اعلام در سه نوبت تکرار شد.**

(۳) بی خبر از همسایه:

سید حواد عالمی از علمای بزرگ و صاحب کتاب مفتاح الکرامه می باشد؛ شبی مشغول صرف شام بود که صدای کوبیدن در را شنید؛ مفید خادم استادش، سید مهدی حواد العلوم آمد، با عجله به طرف در رفت، خادم گفت: حضرت استاد، شما را احضار کرده است. شام جلوی ایشان است، اما دست به سفره نخواهد زد تا شما بروید؛ وقتی رسید، دید استادش فوق العاده عصبانی است؛ با تاراجی گفت: **سید حواد! از غذا نترسی! از غذا شرم نمی کنی!** سید غرق حیرت شد و پرسید: حضرت استاد بفرمایید تقصیر من چه بوده است؟ **استاد گفت: گفت** **روز است، فلان همسایه تو مشکل دارد و از تقاضای کسی که خواسته که در آن** **به سی برده، امروز که رفته بود تا حاضر بشود، تقاضای گفت: دست به همسایه زد** **شده و شرع شده نمی توانم بهم.** او هم با دست خالی برگشته، اصیب با خانوادهاش گریه می کرد. سید حواد گفت: به خدا می خورم بدم، استاد فرمود: **همه داد و فریادهای** **من بکن این است که هر از احوال همسایهات بی خبر برای**

یکی از مهم‌ترین و مطلوب‌ترین برنامه‌های اخلاق کاربردی و معاشرتی اصلاح میان مردم است. دین‌داری اجتماعی همواره ممکن است که در صورت ظهور ناراحتی‌هایی

میان افراد جامعه پدید آید. گاهی ممکن است دو برادر، دو همسایه، دو شریک در سر مسائلی یا هم‌دین اختلاف پیدا کنند. در اینجایی از وظایف اخلاقی دین‌داران این است که آنان را آشتی داده و احاطه ندهند اختلافات خبری به اختلافات ریشه‌ای و عمیق تبدیل شود. **یادداشت این اصلاح به تعجیل روایات از نماز و روزه و صدقه نیز برتر و بالاتر است.** ①

خداوند در سوره انفال: از خدا پروا کنید و میان خود صلح و آشتی برقرار سازید. **اصلاح میان مردم از مهم‌ترین برنامه‌های اسلامی است.** مولای ما (ع) در وصیت‌نامه خود به امام حسن و امام حسین و همه شیعیان فرمودند: شما و همه فرزندانم و کسانی که با من این نامه به اور رسد سفارش می‌کنم به پرس از عدل و قیاستی کارها و آشتی دادن میان یکدیگر که از حد و رسول خدا الهام نشدید مگر که فرمود: **آشتی دادن میان مردمان بهتر است از نماز و روزه و سالیان.**

② از امامان و اولاد، اصلاح میان مردم را نوعی صدقه می‌شمارد و فرمودند: صدقه‌ای است که خداوند آن را دوست دارد.

③ اصلاح میان زن و شوهر

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: اگر زنی از ه ناسازگاری یا روی گردانی شوهرش بییم دانسته باشد و بر آن روگانه‌ای نیست که یا گذشت میان خودشان صلح و سازش برقرار کنند، اگر ادامه دارد = **یکی از خرمند و عقلای هر قوم و قبیله کنار یکدیگر می‌نشیند و مشکل اصلاح را برپا آورند، حکماً میان اهلها و حکماً میان اهلهم**

④ اصلاح میان دو گروه از مؤمنان

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر بیکار کنند و میان آنان صلح و سازش برقرار سازید، پس آن‌ها را از یکدیگر جدا کنید و برادران و بستگان و یاران و دوستان و دوستان و دوستان خدا با آن‌ها نرود و حکم او را نرانند، پس اگر باز گشت میان آن رسول خدا (ص) بر عری صدقه یا اصلاح میان مردم است.

نظارت اجتماعی و عمومی (امر معروف و نهی منکر) ص ۲

یکی از بهترین حلقه‌های اخلاق اجتماعی در اسلام، سبأ امر معروف و نهی منکر است.
گسترش خوبی‌ها و ارزش‌ها در جامعه و جلوگیری از شیوع بدی‌ها و زیست‌ها در
جامعه اسلامی: این دوازدهم یکی از وظایف اخلاقی مؤسسه اسلامی در جامعه
اسلام است.

حدود نه قرآن کریم در سوره آل عمران باید از میان شما گروهی بیاورند که مردم را به نیکو
فراخوانند و آنان را به کارهای پسندیده وادارند و از کارهای زشت و ناپسند
نهی کنند و شما بهترین امتی هستید که سود مردم در آمدید، زیرا امر معروف و نهی منکر
بی‌کسب و خدا ایمان دارد.

روش‌های ۱۰

۱) با قریب (۱) فرمود: امر معروف و نهی منکر راه انبیا و روش صالحان و
فردینه‌ای بزرگ است که سایر واجبات به آن قیاس می‌یابند، راه هلاک
می‌شود، کسب و کارها حلال می‌گردند و حقوق مردم به آن عذاب از گردیده می‌شود
و زمین آباد می‌شود.

احسان مسئولیت کردن و دغدغه هدایت و ارشاد دیگران را داشتن ارزشمند
است.

مراتب امر معروف و نهی منکر

رسول خدا (ص) فرمود: هر کس از شما متکبری را دید، ایس باید با دستش جلوی
آن را بگیرد تا پس اگر نمی‌تواند باز بایستد و اگر آن را هم نمی‌تواند با قلبش
کمترین حدی از منکر، آن است که با مردم آلوده و گناهکار با چهره‌ای درهم
کشیده و ترش رویی خود را بکشد.

رسول خدا (ص) فرمود: حق محاکم (در امان محرم) راه جا آورده عرض کرد:
حق محاکم چیست؟ فرمود: ۱) چشم هاتمان را از نامحرمان بپوشانید ۲)
یا سبغ سلام را بپوشانید ۳) ناپسندیان را هدایت و امر معروف و نهی منکر کنید.
آثار آن

۱) داشتن دنیا آخرت، مؤمنان ۱) فرمود هر کس در او سه ویژگی باشد، دنیا آخرتش
به سامان است: کسی که امر معروف و نهی منکر می‌کند و از حدود الهی نگهبانی
می‌گیرد ۲) راضی و مشتاق اجتماعی ۳) با با مردم ۱) فرمود به راستی ما امر معروف و نهی منکر از
منکر: راه هلاکیت می‌یابند و ...

گفته اند: اما کلماتی که فرمود: امر معروف و نفی از منکر دو امر بر خدا هستند.
 پس هر کس به آنها کفایت (رعایت) کند، خداوند او را عزیز می کند و هر کس آنها را خوار
 کند، خداوند خوارش می سازد.

وظیفه ای عمومی :

امر معروف و نفی از منکر وظیفه همه مسلمانان و دین داران و عاشقان راه
 خداست. چرا که در حقیقت یک نوع نظارت عمومی و همگانی وظیفه است.
 حایفه مانتد کشتی ای می ماند که در حال حرکت است، اگر عده ای از سرنشینان
 این کشتی بخواهند با صیخ و چکش به جان کشتی بیفتند و آن را مجروح
 و زخمی و سوراخ کنند، آب همه را غرق خواهد کرد. اگر عده ای در عابضه اسلام
 بخواهند حایفه را زخمی و مجروح کنند و برخلاف مسیر که در حال حرکت است
 و صی خواهد به ساحل نجات و رستگاری برسد، آن را عوض کنند، عده ای باید
 نذارند راه سعادت و دین داری و ارزش ها به شود. والا عذاب
 الهی که بیاید همه را نابود خواهد کرد.

رسول خدا (فرمودند): اگر مردم امر معروف و نفی از منکر را ترک کنند، نااهل
 و سستاران بر حایفه مسلط می یابند و باوری در زمین و آسمان ندارند.
 و اما کلماتی که فرمود: امر معروف و نفی از منکر را ترک کنند آنرا، خداوند بدان را بر آنها
 مسلط کرده و دعا بر صلی آن جامعه را مستجاب خواهد کرد.

راهنای برای سرکوب شیطان

مروری باریه نشین به حضور پیامبر اکرم (ص) شریای شد و عرض کرد: مرا به اموری که
 باعث جبره مندی از بهشت می شود راهنمای فرما! رسول خدا (ص) پنج دستور اخلاقی
 را به او آموخت: ۱- اگر نه را سیر کن ۲- تنه را سیراب کن ۳- امر معروف
 کن ۴- اعلی از منکر کن ۵- در صورتی که توانایی برای کارها را نداری، باز بمان
 را کنترل کن در این صورت شیطان را سرکوب کرده و به روز خواصی بر
 رستگاری و نجات یک جامعه این است که امر معروف و نفی از منکر را در آستانه
 و از زشتی ها و پلیدی ها و منکرات دوری کنند.

سیره بزرگان دین (۱)

مجلس

تکلیف از علای نوری که در زمان مرحوبیت حضرت آیت ا- حائری نوری در قم
 حضور داشت، حضرت آیت ا- بافتی بود. روحی سرشار از ایمان و معرفت
 به خدا داشت و در راه ترویج معارف دین کوشا بود. از دیرین منکرات
 رنج می برد و امر به معروف و نهی از منکر را واجب می دانست. **در ملا رضان که عامل**
دست نشاندن انگلیس در ایران بود و با هدف مبارزه با اسلام و قرآن فتنه را به
دست گرفت. و با حجاب زنان و غرارداری سالار شهیدان که برای مبارزه با فتنه
 در سال ۱۳۰۷ هجری شمسی. صحن محله حضرت معصومه مهملو از زائران بود.
 همسر رضا خا با دختران و عده ای بیرون حجاب و لولوشی در برابر مردم حرمت
 حرم محله را شکسته. **مرحوم آقای بافتی آورده و فرمودند: آهای خانم ها حجاب**
به احترام حضرت معصومه این کار را نکنید. مردم با فریادها و بلند سخنان او را تا سید
 کردند. زن رضا شاه از ناراحتی رختم به خود می پیچید و بانهاش تلفنی ماجر را
 همسرش رسانید و او با چند ماسکین از سر باز نداشت و در حرم نشد و دستور داد حاج شیخ
 به ملکه ایران توهین می کن. **حاج شیخ گفت: توهین نبود. امر به معروف بود پس گفت:**
بی حجابی در اسلام حرام است. دستور صادر می باشد.

(۲) آقای سرعشی نجفی در عصر رضا خا که به نام آزاری زن دستور کشف حجاب داده شد،
 عوامل حکومت و رئیس شهر بانی قم برای اجرای فرمان رضا خا تکلانی زیادی کردند،
 بخش زنانه شد تا چادر از سر آنان بردارد. آقای سرعشی خود را رسانید دید مشغول
 آزار و اذیت زنان است. با تمام وجود رفت حلقه یک سبلی محلی بر چهره آن
 خبیث زد، و قصد کشتن آیت ا- نجفی را کرد ولی بعد از آن جریان وارد بازار شد و
 بخشی از سقف بازار بر سرش ریخت و همان به چشم واصل شد.
یکی از اهداف قیام سالار شهیدان سالک امر به معروف و نهی از منکر بود؛ زیرا برای
منکر حاکم قاسم با لایق و ناپاک و حجت تبار است. هدف از انگلیس
نظام اسلحه، سفارت مردم در بیابان فتنه که بر امر به معروف و نهی از منکر برپا است

اما صادق (۱) فرزند دوستی شرایط و حدودی دارد که اگر کسی آن شرایط را داشت
کمال صداقت و دوستی را بداند. (۲) ظاهر و باطن دوست باید یکسان باشد.
۲- افتخارات دوستش را افتخار خود و شکست های او را شکست خود بداند.
۳- ثروت و فقرت، رفتار او را با دوستش تغییر ندهد.

۴- چیزی را از دوستش دریغ نورزد. ۵- در سختی ها دوست خود را رها نکند.
و بیایم که (۱) بهترین دوست را اینچنین معرفی می کند (۲) هیچ آنجا انسان را به یاد
خدا بندازد (۳) گفتار او را نشانی از بی وفایی نباشد (۴) رفتارش با او آداب
را در دل انسان نرساند.

به ما سفارشی شده که با استغفار خردیده ما را با عاقل - دینار، دلو، عطار و
رفیق باشیم. و از مصاحبت و دوستی با استغفار آلوده، احمق، شرور و بی ادب
دوری کنیم، زیرا: از کوزه همان طراود که در دوست م

غوغا
نقاشی، شاعر و آواز هارمز (۱) مولانا (۲) بود و با استغفارش در خفا، بیاه مولانا را
صد صدای تحریک می کرد. مسافران در ماه رمضان یک انسان آب زهره گاه و شیطانی
صفت او را به سمت مشروب خود بخساق سوق داد و شراب خواری او ثابت نگذاشت و مولانا
۸۰ تا زیاده به او زد و یک شب هم زندانی بود و روز بعد او را آوردند برای نزدن ۲۰ ضربه
دکتر. پرسید: ای امیرمؤمنان! ۸۰ تا زیاده به جهت شراب خواریم برد ولی این ۲۰
ضربه مال چیست؟ حقیر فرمود: به خاطر هر آنست و گستاخی تو به شراب خواری در
ماه رمضان است. و به شاکر خجسته و عارف و دوست و همراه من.

(۳) تاثیر همنشینی با ناپایان

مادری خیلی فرزانه و با معرفت، بسیاری داشت و نسبت به تربیت او خیلی دقیق
بود. فکرم که پدرش باعده ای از بیچاهای محله طرح دوستی رنجیده است.
روزی مادر فرزندش گفت: عزیزم! من در باره دوستان تو تحقیق کردم اما بفارای ادب
و شریک افتادم. حتی رسم رفتار بد آنان در تو هم اثر نگذاشت و منحرف شوی گفت مادر جان
نگران نباش. روز بعد همان از راه رسید، مادر از پدرش خواست که برای نذر برای از عیب
میوه کنار حیطه، مقداری سیب آورد و وی رفت دید همه خراب و فاسد شده این مادر گفت
میوه کناری حیطه از همنشینی با یک سیب بود. همنشینی با بیاد هم اینگونه است.

اهمیت دوست و نقش هم نشین، در زندگی اجتماعی است. هر کسی دوستی نیست، بهره مندی از معاشرت با خوبان، با خردمند، با دانا، با علما و صالحان و متدینان و منزهان دینا و آخرت است.

و معاشرت با اهل عفاف، مکار و حیل، گرانادان و اهل حق و بدست واکوده به نفع است. باعث ثبات و خواری در دنیا و آخرت خواهد بود.

(۱) مولای اهل حق می فرماید: با انسان های بد خواه معاشرت نکن، حیرا که طبع توانا و گاهانه از طبع او می دزد. پس نفع بواسطه معاشرت با دوستان نا اهل و نادان خانه را نبوتش کم تر. با هر کسی چه خوب و چه بد معاشرت کن تا اثرات خود را نخواهد گذاشت. (۲) رسول اکرم (ص): انسان بدین دوست و هم نشین خود است.

و قتی به بسیاری از جوانان گفته می شود با دوستان ناباب و نا اهل و فاسد و شرور و بی ادب، بی شخصیت معاشرت نکن، در پاسخ گویند: ما مثل آنها نخواهیم شد. اینها در حقیقت از تأثیر سحر آمیز معاشرت دوستانه غافل اند.

(۳) امام بخاری (رح) می فرماید: با صاحبان دین و معرفت هم نشین شو به آنرا چنین افرادی را پیدا نکردی، آنش گرفتار به نهایی بهتر و برای سلامتی (دین) انسان شایسته تر است.

(۴) امام جواد (رح) می فرماید: از هم نشینی با زشت کار دوری کن، زیرا او هماره شمشیر برهنه و نیزه و خنجر و تیر و تازیانه زشت دارد.

پس اوقات عفاف درونگو، چایلو، ضرر یکبار و خائن شایسته دوستی نمی باشد.

روزی جابر بن یوسف حکیم گفت مرا ترد فلان بزرگ ببرد تا فلان را به من بدهد. دوستان گفتند: تو خود حکیم و استاد و بهتر از ما می دانی که فلان را برای در میان خبوت است، تو که دیوانه نیستی، جابر بن یوسف گفت: امروز دیوانه ای به من نگاه کرد و مردی چشمتک به من زد و او ستم مرا به نشانه دوستی آغوشان کشید که پاره شد. اینها علامت آن است که بین من و او استراحتی پیدا شده و از این رو در پیافتم که باید در میان شوم.

اخلاق حبشی

اخلاق حبشی، به سلسله مباحث فلسفی و اخلاقی گفته می شود که حول محور غزیه حبشی و مسائل و مربوط به آن شکل می گیرد. از قبیل کنترل و عدم کنترل آن، خوب یا به بودن حیای زن، غیرت مرد، وفاداری همسران، پوشش و حجاب، زنا - همچنین بازی و ازدواج.

افراط و کفریط

در باره غزیه و علاقه حبشی دیدگاههای متضاد و متناقضی مطرح شده است که اسلام بهترین دیدگاه را بیان کرده است.

گروهی علامه و غزیه حبشی را ذاتاً پلید و زشت و شیطانى شمرده اند. و داستان همسر قانوی و شرعی و را کاری زشت و شیطانى و اعتقاد دارند که عامل اصلی تباهی افراد و جامعه، غزیه حبشی و شهواتی می باشد. و آنها را راهی از این همه مصیبت و گرفتاری های روحی و اجتماعی را به کنترل در آوردن غزیه و غزیه و نادیده گرفتن آن است. معتقدند که آموزش حبشی و ازدواج با تکامل روحی ناسازگار است. (۱) دیدگاه افراطی

نمونه: بر همین آیین بودا کسانی هستند که معتقدند نمی توان به مقام بالایی معنوی دست یافت مگر آنکه از همه تعلقات مربوط به غزیه حبشی آزاد باشد. حتی علامه هم فرزند را با معنویت پیمان می داند. آنها زندگی در درون خانه را اسارت و برکگی و امری پلید و ناپاک می دانند. و می گویند انسان آزاد، کسی است که خانه و خانواده را ترک کند؛ هر کس بخواند یا بی ایس بیسولند ما به ریمانی لاگانه را امضا کند و بی از بهترین اکفا - لذات و شهوات حبشی را بر خود حرام دانسته و ابتلای به آن را برای دیگر هم نپسندد.

و اعتقاد دارند که محبت به زن نیز یکی از ابتلای این جهان است که عاقبت به دردها و خطاهای مرکز می کشد، شده و ایشان را حبه می کند.

ترک همه ترک ازدواج و بازگشت به زندگی ساده و زاهدانه و انفرادی و قطعاً دنبال تکامل روحی رفتن ارزشمند است.

و مسیحیان هم که به طور کلی ازدواج را تحریم نمی کنند، اما آن را عملی زانی و پلید می دانند. فقط به خاطر این باید ازدواج کرد.

۱ حفظ نسل و بقا آن - ۲ دفع آفت به فاسد : یعنی اگر عدم ازدواج موجب فساد و محنت و آفت آن شود. آن کسی می خواهد در هر دینی مسلمانان شود باید مانند حضرت مسیح تا آخر عمر مجرد باقی بماند و در سراسر عمر خود ازدواج نکند. و باپ مقام کسی است که هرگز ازدواج نکرده باشد.

و دارند که مردی که ازدواج نکرده است، می تواند تمام وقت خود را صرف خدمت خداوند کند و تمام فکرش این باشد که او را خوشنود سازد. اما مردی که ازدواج کرده نمی تواند به راحتی، خلوت را خدمت کند، زیرا مجبور است در فکر ماریات نیز باشد و بگوید تا همسرش را راهی نکند دارد. در واقع عشق و علاقه او بین خدا و همسرش تقسیم می شود.

صوفیان : توصیه می کنند که باید بیاضهای جنسی خود را نادیده گرفته و بپوشد تا از حیا و وزندی اجتماعی فاصله بگیرد. در صورتی که چهار باب نفس: هرگز بهغنائی سرگوب کردن قوا و نادیده گرفتن آن نمی باشد.

۲- در صراط اسلام مسلمانان هم این نظرش وجود داشت و اما ما معصوم به شدت با آنها مخالفت می داشتند و یا می کردند را با ما معصوم ازدواج را امری مقدس می شمرند و ترک آن را به عنوان کار فاسد و مطلق می نمودند.

و یا می کردند (مرد) هر صریحاً فرمودند : الا ربنا نیه فی الاسلام.

اسلام با رهبانیت مخالف است. به حضرت اطلاع دادند که گروهی از همه چیز اعراف نمود (اروگرایی) و به عبارت و کوشه نشینی روی آورده اند. حضرت سخت آنها را مورد عتاب و سرزنش قرار داد و فرمود: من که پیامبر شمام گرا و زهد گرا. زاهد و راهب هر دو از لذت های دنیا و حیا و رایی به دورند و مسئولیتهای اجتماعی را نیز دادرست و نیایی می شمارند و به عموم و دیر و کوه پناه می برند. آنها سلامت و نظافت و قوت و انتخاب همسر و تولید فرزند و بقاء نسل را تحقیر می کنند. اما زاهد اسلام گرا و حیا گرا به به فکر سلامت و رعایت نظافت و بر خور داری از همسر و فرزند می باشد و گرا را حیز و وظایف الهی می داند. **مولانا علی** زمانی در شهر لاهور باب خانه یکی از یارانیش به نام علاء الدین زیاد حارثی رفت

در دیرگاه کفر علی: اعتقادشان این بود که ریشه تمام بدبختی ها و پلیدی ها میرا
دادن به عزیز و حبشی و شهوانی است و وادله خود را هم بیان کردند!
در جواب آنها گفته شد: انسان دارای غرائزی است که عملند بیکار و تعالی در اختیارش
گذاشته است. و این غرائز و عیالات حتماً باید ارضا و تعدیل شوند. با سرکوب
و کشتن غرائز و عیالات را در اسلام نداریم.

خداوند می فرماید: ای پیامبر! به کسانی که عزت و ولایت و نبوت را انتخاب کرده اند
بگو چه کسی زینتهای خداوند را که بر ایشان آورده، حرام کرده است.

اما از راه حلال. از راه مشروع و معقول: انسان دو نوعی است مادی و حیوانی و
تعد روحانی و ملکوتی: انسان مرکب از ~~روح و جسم~~ (روح و جسم) است: به انسان را سه
مهر اجمع می رود: و تعد مادی و حیوانی هم آید دنیا لروی شود استار از حیوانات
باین روی آید. همیشه بدن روح و جسم جنگ است: چهار لاکبر: حرکت معنوی
و حرکت فیزیکی: یکی صدام و صجاج می شود و با اختیار و یکی ~~فعل و معلول~~ ^{مسلما و ابودر}
و مالک اشتری شود اختصاراً.

این دیرگاه از غرب سر از سر خود در قالب ترویج فساد و بی بندوباری در تمام کشورش با
آنها معتقدند که فساد و فحشاء و زنا و لواط و هم جنسی بازی، ... عین اخلاق
است نه خلاف اخلاق. آنها می گویند: عفت و پاک و حجاب و وفاداری به
همسر و امثال آن عین اخلاق است و اگر کسی عکس آن را برود باید در میان
شود. **معنی بی عفتی، بی حجابی، هر هنگی و آزارده کامل و بی وفایی به همسر از آنند**
تا می تواند محرومیت ها را بر دارد، عفت و پاک را از میان بردارد تا دلها آلوده گردد
و تعلم اجتماعی را قرار دهد. آزار در مطلق.

فروید و پروان او سر چشمه بسیاری از بیمارهای روانی و عصبی و ناسامانی ها
اجتماعی و فرهنگی را در سرکوب غرائز، کوبیده عزیز و حبشی می دانند.
محرومیت های ناشی از سرکوب عزیز و حبشی موجب عقده های روانی و عقده های
روانی عامل بروز رذایل اخلاقی است. مانند خداحت، ظلم، سوءظن،
دروغ، فریب کاری و ... در مقابل، راه وصول به سعادت و نجات
از بیمارهای روح و روانی: ارضای آزادانه عزیز و حبشی بدون هرگونه
عزیمتی است.

در پادشاهی به این گروه افرامی باید گفت، این ادعای شما هیچ دلیلی ندارد.
 آزادی همه جانی غریبه جنسی نه تنها موجب سعادت و نجات از بهارهای
 روانی نخواهد بود، بلکه خود شرعی است تا آنکه اولی و لفظاً به خود جنسی های زیادی در
 حاکم است. **آنکه بگوید: انسان حر یعنی علی ما منع؛ انسان از هر جنسی**
که منع شود، حر یعنی کسی که این هم ادعای است که دلیل ندارد.
 اگر انسان باشد، باید به قوانین راههای عروسی که باعث محدودیت های سکود
 ابرار در وقت و بگویم جمع کنند، باید قوانین مربوط به مسائل و مباحث حقوقی
 برآید شود، **قوانین** — آید در رسک است.
 در جامعه ای که آزادی جنسی وجود دارد و تنوع طلبی بشر هم زیاد است اما انحراف
 و انحراف های جنسی به افراط و تفریط منتهی است؛ چالش هزاران کودک بی پروا و مادر
 یا سقط جنین — **بلوازی اگر آشی دار می شوند = یا شکست کمانی خانوار =**
رواج عوامزدگی —
 پس غریزه جنسی را حذف نکنیم و انسان ها عطا کردن و قوانین را هم برایش گذاشته
 عفت و پاک و تقوا و رام کردن نفس اماره و از رواج و قوانینی که سعادت
 بشر را تضمین می کند، **وقتی آزادی کامل غریزه جنسی برآید شود؛ و این ها**
هزاران زن داشته و دنبال — **هزاران زن دیگر بزنند؛ غریزه جنسی فانی**
یک کوره یا یک کنور آشی است که هر چه لازم به آن داده شود سوخته
می شود. قوه شهوانی سری ناپذیر است؛ اما اگر اصل در باره است
 قضیه فروری **قوه شهوانی در انسان طوری است که اگر زخمی یک شهر**
را به یک فروری بزنند، باز متوجه زخمی شهر دیگر است و یا یک کنور است
کنور خطی که شورت فروزان است.
 — **آمر بگویم: محدودیت برای ارضای غرائز؛ خلاف هدف آفرینش است**
موانع آن است که هدف آفرینش ارضای غرائز و میر به هیچ وجه استکان را با به
رفت از رواج دائم چه برکت = بقا و نسل، اگر آشی
 قوانین اسلام بر این معنویت حاکم است از هر چه و مرجع هر که اندر آزادی
 جنسی باشد، هیچ پدر و مادری فرزندش را فرستاده، **آند آزادی جنسی را به مردم**
 باید از آزادی در دیگر مسائل احتمالی بپذیریم **آدم عصبانی شد آدمی که**
میران است کنور در جنب فرارانه با توتی توتی

از دینه ماه اسلام غرض جنبی بی از مهم ترین نفع های الهی است و خداوند حکیم آنرا وسیله ای قرار داد تا قدامت زندگی بشر و تقای نوع انسانی را تضمین گردد. اسلام صلا معنویت و صبر پند می کند لذات جنبی مآل مادی نمی بیند. بلکه بهره مندی از آن را شرط تکامل معنوی انسان و از اسباب وصول به سعادت واقعی می شمارد. پیامبر اکرم (ص) و سایر اجداد الهی همواره با نوشتن سیرت و ریاضت های (فراطی) مخالفت کرده و به صراحت اعلام کرده که اگر هبائیه فی

الاسلام ... غرض :

۱- یکی از زبان مدینه ... محضر رسول اکرم (ص) آمده و از خود این خود گفت که در سیرت یکی گفت : مشوهر من گوشت نمی خورد ، یکی گفت از بوی خوش و عطر ها منم استفاده نمی کند و یکی گفت : تمامی معاشرت با من ندارد. رسول الله - از شنیدن این سخنان به شدت ناراحت شده و می فرمود پس از عورت ساری خداوند فرمود که این حر را بر خیز از صاحب من از خوراک گوشت و استعمال بوی خوش و معاشرت با زنان دوری می گیرند. من هم خودم گوشت نمی خورم و هم از بوی عطر بهره مندم و هم با زنان معاشرت دارم. هر کس که من (سنت) دوری کند از من نیست. برای کسانی که عطر و محبت به همسران و طریقتی از شانه های خداوند است. آنچه درین با امرای که می خواستند از نفع های الهی بهره مند شوند به نیت بر خود

۲- اسلام فراگیری برای ازدواج میان گزیده است. بهترین راه برای کنترل و کارامد ساختن نیروی شهوت از دواج است. با اشباع غرض جنبی در زن و مرد از منیها تا گزیده شدن مکن ها و لذت بردن می رود. در سایه ازدواج در سنگرم حکمی قرار می گیرند و خود را ند می دارند. ازدواج رکنی است که اولادها را گناهان را می زد.

۳- با ازدواج تقای مثل در اسنایا بوجود می آید. هر چه فرزندان صالح در سایه ازدواج فرزندان مؤمن - متدی : با برکت مادر میزند و پدر می آید.

۴- از آنجا که ازدواج صورت و جهت است : زن و مرد به وحدتی دست می یابند که جلوه آن را در هیچ کس نمی توان سراغ گرفت. تک روح در دو بدن و محرم اسرار هم می شوند. ۵- آراستن : نیاز روح بشر آراستن : ازدواج روح آشفته و در تداطم جوانان را آراستن می بخشد. (۶) تو سه روزی. و عین خداست که در سایه ازدواج خداوند آفرای میگزیند : نوری آفرای می شود. روزی ماری یا معنوی.

در اسلام دوزخ در غریزه حبشی و نهوه بر خرد با آن را به خوبی نشان
می دهد: و کسانی که بر شهواتشان غالب نشوند، عقل آنها با روزگار
می شود. **حرکت و سروری از خواهش های نفسانی، تشنگی های جزه لالت و**
نابوری خواست بشری ندارد. طبق روایات: برائی شهوت بدترین برائی ها
و حواری ترین اسارت است: مولوی: هر که در شهوت فرو نشاندن خاست
شهوت و غلبه، دشمنی بر دشمنان انسان می افتند: و ترک شهوات
و ترک عیارت و زیبارت عادت است.
آثارش: اگر فزونی یا جابه ای به دنبال شهوات برود به نابوری کشانده خواهد شد.
تعمیل عوط: و سروری از شهوت باعث نابوری دین و از ارزش های الهی است.
استادی که دنبال شهوات رفتند (۱) بده شهوت و حواری و انبساط
آنها سقوط می کند: **حکمت و دانش در طلب آنها وارد نمی شود.**
ناگفته نماند که اما اگر اهل عارف نیز از اخلاقی فرسودند: بدان که قوه شهوت
از قوای شریفی است که حق تعالی به انسان و حیوان مرحمت فرموده برای حفظ شخص
حوالو تقای آن در عالم طبیعت، کنترل و تقارن می خواهد.
استیفا دو نوع دارند: فرشته ها یک نوعی اند - حیوانات فقط شهوتی هستند
امیر فطرت کائنات به دستور کمال و سعادت و صراحت می رود -

اهمیت ازدواج در اسلام

در اسلام ازدواج یک امر حنی مقدس و یک عبارت کنی نظری و در پی موارد،
واجب شرعی است، دور گفت نماز شحقی ازدواج کرده با برتر از هفتاد
رکعت نماز انسان عزب است.
۱) پیامبر اکرم (ص) می فرماید: هر کس ازدواج کند، از راه ازدواج
موجب عفت چشم و باطنی می شود و هر کس که امکان ازدواج ندارد، برای
فروتنی و شهوت خود، روزه بگیرد.
۲) در روایت معتبره ای از پیامبر و انما دین آمده: اگر کسی به سبب فقر و ترس از مشکلات
اقتصادی از ازدواج خودداری کند، در حقیقت به خداوند بی ایمان شده است
چرا که خداوند وعده نموده: روزی را دارم: اگر فقیر باشد، خداوند کارای نیاز
می کند: می اندازد راه های نجات از فقر و غیره مندی از راه مادی، ازدواج
است.

شخصی به محض رسول اکرم (ه) رسید و از فقر و تنگدستی نالیده
 رسول اکرم (ه) به او فرمود: از رواج کن و آن فرد بدستور آن حضرت ازدواج
 کرد و پس از مدتی وضع زندگی مالی او رو به بهبودی گذاشت
رسول اکرم فرمود: برای هر فردی از رزق و ازدواج کفایت و زیر آرزو ناکمالات
است. مسوره نور آیه ۳۲: هداوندی فرماید: مردی از زنان همسر را هسر
 دهید، اگر فقیر و تنگدست باشد، خداوند از فضل خود آن را برای بیازنی کند
 زیرا خداوند گشایش دهنده آگاهان است.

ازدواج آسان:

مولانا (ه) فرمودند: برتری واسطه گری ها، واسطه گری در امر ازدواج است.
 اما صادق (ه) می فرماید: کسی که در سبیل ازدواج شخصی را ضایع کند، روز قیامت مورد
 توجه خاص خداوند قرار می گیرد.
اما اسلام بر ازدواج آسان تاکید کرده و چشم و هم چشمی ها و مهریه های سنگین
و کم رنگی را باعث دوری از ازدواج و تشویق به گناه می داند.
سخت گیری والدین: رسول اکرم (ه) فرمودند: وقتی کسی به خواستگاری دختر
 آمده که از اخلاق و دین او راضی هست، دخترتان را به ازدواج او در آورید که اگر
 چنین شود تا شوی در زمین و عسادی بزرگ رخ خواهد داد.
 سخت گیری های والدین، خواستگاری را باعث می شود سن دختر بالا رود
 و فرصت ها از دست برود و چهار شوهر داری از آن کفایت نکند و میوه درختان
 ازدواج بی فایده ببارد. (ه) استخاره های بی مورد. استخاره طلب خبر از خداوند
است اما ازدواج باید با عقلان و عاقلانه و بر اساس شکر و معیارها صورت
گیرد. مهریه سنگین: مولانا (ه) مهر را سنگین ندیده که مایه دشمنی خواهد
 شد. اما صادق (ه) فرمودند: کم خرجی فاسان را بی ترکات زن است و
 سنگینی هزینه و دشواری از شوی لوست.
 (ه) خرجیه های بی جا و کم رنگی: مخارج سنگین عقد و عروسی و خرجیه های
 غیر منطقی و بی جا از موانع مهم ازدواج هستند: سختی های عطا راجع
 در جامعه باعث بیجاری جوانان عصبیه شده است

سفارت بیرون ریانت محال است: تدریس یعنی پائی نیدی به اسلام و از زهر اسلام: یعنی اسلام را با جان و دل پذیرفته و در عمل آن کو شاست. پیا بر اسلام به شخصیکه می خواست ازدواج کند: فرمود: **ی تو باره که همسر دیندار بگیرد: و فرمود: کسی که بازنی به خاطر شویش ازدواج کند: خداوند او را به حال خودش وا می گذارد: و کسی که به خاطر زیبایی بازنی ازدواج کند: در او امور خونا خوشایند خواهد دید: و کسی که به خاطر دین و ایمانش ازدواج کند خداوند همه امتیازات را برای وی فراهم می کند.**

همسر دیندار که در برابر خالق جهان سر تعظیم و کرنش فرود می آید: اهل نماز: اهل حلال و حرام: اهل حجاب: عاشق اهل بیت و پیامبر اکرم (ع) بودن: صوری به آنکه کسی را می شناسد: دختری دارم و زمان ازدواجش فرا رسیده است. او را چه کسی بدیم؟ اما فرمود: کسی که تقوای الهی دارد: زیرا این او را دوست داشته باشی: عزیزش می دارد و آنرا او را خوش ندارد: به او ظلم نخواهد کرد.

۳ اخلاق از رشد: پس از شرایط از رشد همسر خوشتر اخلاق بزرگ است: کسی که فضایل اخلاقی داشته باشد: کسی در دامای (از آماره ها) می رسد: پس از لقوام من به خواستداری دخترم آمده است: اما قدری به اخلاق است: اما اگر دانش نام نوشته اند که به اخلاق است دختر را به لونه: بخونه اخلاق: بهر حال است خوش برخورد باشد: مواضع و فروتنی داشته باشد: مادر بسیار: باو ظالم: با محبت باشد: **نموده هم باید اندک باشد:**

عنوان ای درس آموز: روزی مرحوم کا شفا الفطادینی از مراجع بزرگ تقلید پس از پایان درس فرمودند: من دختری دارم که وقت ازدواجش فرا رسیده است: آنرا یک فرد متدین و اخلاقی باشد: من او را به دامادی می پذیرم و دخترم را به همسری او در می آورم: یکی از حقاری خواست و پس از عظمای نشست و سخنی نگفت: پس از پایان درس: مرحوم او را به خانه اش دعوت کردند: معلوم شد یکی از شمار دان حاصل: متدین و خوش اخلاق خود اوست: در باره امکانات مالی از او پرسید: گفت چیزی ندارم: مرحوم فرمود: ما نفی نداریم: این منزل ما یک اطاق خالی داده که فعلاً ما نیازی به او ندارم شما می توانید در آن زندگی کنید و همان شب عکرمات عروسی غرا هم شد و دخترش را به عقدش کرد و در آمد و یک زندگی ساده و بدون آلاش شروع شد.